

تاثیر محافظه کاری حسابداری بر ظرفیت بدهی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر علی بیات

استادیار گروه حسابداری، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

ali.bayat22@yahoo.com

عباس رستمی

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. (نویسنده مسئول).

abbasrostami96@yahoo.com

شماره ۴۵ / تابستان ۱۴۰۰ (جلد سوم) / صص ۱۸-۳۳
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره چهارم)

چکیده

پژوهش حاضر در پی ردیابی تاثیر محافظه کاری حسابداری بر ظرفیت بدهی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. یکی از دغدغه های همیشگی مدیران مالی شرکتها بحث تأمین مالی می باشد. در راستای حصول به هدف مذکور اطلاعات ۷۹ شرکت از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که با کمک الگوی حذف سیستماتیک انتخاب شده و در طول دوره پنج ساله (۱۳۹۴-۱۳۹۸) برای این شرکت ها داده ها گردآوری و با مدل تحقیق به کمک روشهای مناسب آماری آزمون شد. برای سنجش محافظه کاری از مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) و برای ارزیابی ظرفیت بدهی نیز از مدل قبلی فرانک گویال (۲۰۰۹) استفاده شد. نتایج آزمون فرضیه تحقیق نشان داد شرکتهای محافظه کارا تر ظرفیت بدهی بالاتر داشته و محافظه کاری بر ظرفیت بدهی تاثیر معنادار مثبتی دارد. **واژگان کلیدی:** ظرفیت بدهی، محافظه کاری، تأمین مالی، مدل گیولی و هاین، مدل فرانک و گویال.

مقدمه

موسسه ها برای رشد و پیشرفت نیاز به سرمایه دارند. کارگزاران برای تأمین سرمایه ابتدا از طریق وجوه عملیاتی نهاد اقدام می کنند. آنگاه به بازارهای خارجی روی می آورند و در این مسیر بدهی را به ارزش ویژه ترجیح می دهند. بر اساس این منطق عموم کارگزاران مالی ابتدا به ارزیابی ظرفیت بدهی (استقراض) خود اقدام کرده و پس از اعمال ملاحظات خاص تا سطح ظرفیت بدست آمده، بدهی ایجاد می کنند. عمده ترین خطر افزایش بدهی عدم توانایی پرداخت اصل و فرع در سرسید مقرر است. لذا اینگونه پرداخت های ثابت، بدون توجه به توانایی بهره دهی واحد اقتصادی باید تسویه شود. هرگونه عدم پرداخت منجر به ورشکستگی یا اقدامات حقوقی علیه واحد اقتصادی می شود. علاوه بر این، حفظ انسجام مالی و موقعیت رقابتی واحد اقتصادی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. واحد اقتصادی باید به گونه ای عمل کند که وجوه کافی برای سرمایه گذاری های راهبردی پرداخت وام، سود سهام، هزینه های تحقیق و توسعه و نظایر آن را در دسترس داشته باشد. عدم توانایی در فراهم آوردن این وجوه سلامت مالی واحد تجاری را تهدید خواهد کرد. یکی از دغدغه های همیشگی مدیران مالی شرکتها بحث تأمین مالی می باشد. به دلیل اهمیت بالای تأمین مالی به صرفه منابع مالی مورد نیاز شرکتها برای تداوم فعالیت و رشد ایشان، تحقیقات بسیاری در راستای یافتن راهکارهای مناسب برای تأمین مالی بهینه شرکتها انجام شده و نظریه های بسیاری ارائه شده و توسعه دانش و نظریه های مرتبط با این امر نیز مورد اقبال همیشگی مراجع حرفه ای مالی و حسابداری می باشد (کردستانی و نجفی، ۱۳۸۹). بر پایه نظریه

سلسله مراتب تأمین مالی، مدیران شرکتها جهت تأمین مالی منابع مورد نیاز خود جهت سرمایه‌گذاری و افزایش ظرفیتهای عملیاتی شرکت، ابتدا به منابع داخلی رجوع می‌نمایند که اغلب به دلیل عدم تکافوی منابع داخلی شرکت، برای تأمین کسری وجوه مورد نیاز ناگزیر به استفاده از منابع برون سازمانی روی می‌آورند. تأمین مالی برون سازمانی عمدتاً از دو منبع اخذ وام و صدور سهام میسر می‌باشد که استفاده از استقراض به دلیل قابل کسر بودن هزینه بهره برای مقاصد مالیاتی و ارزاتر بودن نرخ بهره پرداختی، نسبت به صدور سهام ارجحیت دارد که وجود مقادیر متنابعی از بدهیها در ساختار سرمایه شرکتها مؤید این امر است. در همین رابطه لمون و زندر (۲۰۱۰) با بررسی ظرفیت بدهی و آزمون نظریه‌های ساختار سرمایه نشان دادند که در صورت نیاز به منابع برون سازمانی و در غیاب محدودیتهای ظرفیت بدهی، تأمین مالی از طریق بدهی به انتشار سهام ارجحیت دارد. با این حال افراط در این امر باعث افزایش ریسک ورشکستگی شرکت می‌شود چرا که ممکن است، شرکت نتواند سطح فروش و سودآوری فعلی را در آینده حفظ کند در حالی که مجبور به پرداخت اقساط وامهایش می‌باشد (تهرانی، ۱۳۹۱). در کنار وضعیت عملیاتی، اعتبار شرکتها تا حدود زیادی به ساختار سرمایه آنها نیز وابسته است. بحثهای ساختار سرمایه در ادبیات مالی در پی وصول به نقطه بهینه ترکیب سرمایه و بدهی برای ساختار سرمایه می‌باشد، ساختار سرمایه نامناسب همه زمینه‌های فعالیت یک واحد تجاری را تحت شعاع قرار داده و منجر به بروز مسائلی نظیر افزایش هزینه سرمایه شرکت، کاهش ارزش، افزایش ریسک و در نهایت ورشکستگی واحد تجاری خواهد شد. بر این اساس یکی از حوزه‌های مورد علاقه مدیران شرکتها، تعیین ظرفیت بدهی شرکت و توان قرض‌گیری با مخاطره کم آتی می‌باشد.

پیشینه پژوهش

شیام، ساندر و مایرز (۱۹۹۹) و چیرینکو و سینگا (۲۰۰۰) ظرفیت بدهی را کسری از نسبت بدهی تعریف کردند که در آن مقطع، هزینه ورشکستگی مالی، فرصت استفاده بیشتر از بدهی را از بین می‌برد. آبشت و سعیدی (۱۳۹۲) نیز با بررسی ظرفیت بدهی شرکتهای داخلی آن را به شکل حداکثر توانایی ایجاد بدهی مالی به وسیله شرکت تعریف کرده و هدف از بررسی آن را ارائه راهکاری می‌دانند که می‌توان با بکارگیری آن، به استفاده مناسب از فرصتهای سرمایه‌گذاری و همچنین جلوگیری از به هدر رفتن منابع اقدام کرد. مفهوم ظرفیت بدهی زمانی مطرح می‌شود که ظرفیت مالی یا جریان نقدی شرکتها در ایجاد بدهی مبنای تعیین ساختار سرمایه باشد. در این راستا تعیین سقف مناسب بدهی شرکت و میزان ظرفیت قرض‌گیری آتی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

فاکتورهای مختلفی بر ظرفیت بدهی شرکت تأثیرگذار هستند که موضوع تحقیقات مختلف داخلی و خارجی بوده‌اند نظیر مایرز (۱۹۷۴)، فردیناند (۱۹۹۹)، کانتر (۲۰۰۴) و ژانگ (۲۰۱۳). با این حال در اغلب تحقیقات داخلی نظیر سعیدی و آبشت (۱۳۹۲) تأثیر ماهیت فعالیت‌های عملیاتی شرکت و نوع صنعت و وضعیت بازار بر ظرفیت بدهی شرکت مورد بررسی قرار گرفته است. با این حال به نظر می‌رسد یکی دیگر از فاکتورهای تأثیرگذار بر ظرفیت بدهی شرکت در بازارهای سرمایه باشد. به دلیل وجود نابرابری اطلاعاتی و عدم دسترسی یکسان مشارکت کنندگان در بازارهای مالی به اطلاعات یکسان طبق تئوری ارائه اطلاعات نامتقارن از یک سو و تلاش مدیریت به ارائه اطلاعات هدفمند به قصد مطلوب نشان دادن وضعیت عملیاتی و نحوه مدیریت عملیات واحد تجاری تحت کنترل خود طبق تئوری نمایندگی، عموماً سرمایه گذاران اعتماد زیادی به درستی ارقام و اطلاعات ارایه شده از طرف شرکت نداشته و اغلب فرض می‌کنند که مدیریت اطلاعات را با هدف بهتر نشان دادن نحوه ایفای وظایف مباشرتی خود و دریافت پاداش بالاتر به حالت خوشبینانه نشان داده و اغلب سود حسابداری متورم‌تر از حالت واقعی نشان داده شده است. جهت کاستن از این خوشبینی مدیریت مراجع حرفه‌ای به کاربرد احتیاط و رعایت ارائه محافظه کارانه حسابداری تاکید ویژه‌ای داشته و تدوین استانداردهای

حسابداری با درجه ای معقولی از محافظه کاری حمایت می شود. پژوهش حاضر نیز با این هدف در پی آزمون تجربی وجود رابطه معنی داری میان اطلاعات افشا شده به شکل محافظه کارانه و افزایش ظرفیت بدهی شرکت ناشی از واکنش مثبت بازار به رعایت محافظه کاری در ارائه اطلاعات حسابداری است و اینکه آیا شرکتهایی که با رعایت محافظه کاری با کاستن دغدغه و نگرانی سرمایه گذاران در باب ارائه اطلاعات اغراق آمیز و غیرواقعی درباب عملیات و وضعیت مالی شرکت موجبات کاهش بازده درخواستی ایشان و در نهایت کاهش هزینه تأمین مالی بدهی شده که نتایج آن در ظرفیت بالای وام گیری شرکتهای مذکور متجلی می شود؟ در این راستا انتظار می رود که شرکتهای با سطح بالای رعایت محافظه کاری به جهت جلب اعتماد تامین کنندگان منابع مالی از ظرفیت وام گیری بالاتری نیز برخوردار باشند. در واقع پژوهش به منظور فراهم آوردن شواهدی در ارتباط با تأثیرات رعایت محافظه کاری بر ظرفیت بالاتر بدهی شرکتهای انجام پذیرفته است. عمده تحقیقات انجام شده داخلی و خارجی در حوزه ظرفیت بدهی به بررسی تأثیر فاکتورهای عملیاتی شرکتهای بر روی ظرفیت قرض گیری شرکت پرداخته اند و محققین حین بررسی به تحقیقی که به بررسی تأثیر کاربری محافظه کاری بر ظرفیت قرض گیری شرکت باشد به ویژه داخل کشور برخورد نموده است و وجود خلاء تحقیقاتی در این رابطه، نویسندگان را متقاعد کرد که انجام پژوهش حاضر ضمن داشتن نوآوری، سودمندی لازم را داشته و نتایج پژوهش می تواند موجبات بسط مبانی نظری مرتبط را فراهم می آورد.

ظرفیت بدهی

نخستین بار مایرز (۱۹۸۴) مفهوم ظرفیت بدهی را مطرح و آن را سطحی از قرض گیری بنگاه اقتصادی فرض کرد که اگر تأمین مالی از محل بدهی از آن مقدار بیشتر شود، ارزش بازار بدهیهای شرکت کاهش خواهد یافت. سرمایه گذاران فعلی و بالقوه و اعتبار دهندگان شرکت حین ارزیابی نحوه ایفای وظیفه مباشرتی مدیریت و تصمیمات سرمایه گذاری و اعتباردهی، در کنار توجه به وضعیت مالی و نتایج عملکرد شرکتهای به انعطاف پذیری مالی آنها در باب توانایی ایشان در بهره گیری از فرصتهای غیرمنتظره سودآوری و اجتناب از زیانهای رویدادهای ناخواسته نیز توجه ویژه ای دارند. به همین منظور گروهی از مدیران با به کارگیری سیاست نگهداری وجه نقد کافی و دسته ای دیگر نیز از طریق اعمال خط مشی محافظه کارانه بدهی مبتنی بر عدم اخذ زیاد وام و قرض گیری و نگهداری ظرفیت مازاد بدهی، سعی در حفظ انعطاف پذیری مالی داخلی خود دارند. چو (۲۰۱۲) با بررسی ارتباط متقابل مهمترین اجزای انعطاف پذیری مالی داخلی ظرفیت بدهی و میزان نگهداشت منابع نقدی شرکتهای مالزی در طول سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۸ نشان داد که ظرفیت بدهی به عنوان یک عامل مؤثر در پیش بینی سطح نگهداشت منابع نقدی است، همچنین منابع نقدی نیز به عنوان یک عامل مؤثر در پیش بینی ظرفیت بدهی شرکتهای مالزی است. مشابه تحقیق چو، نتایج پژوهش پیری و همکاران (۲۰۱۹؛ ۱۳۹۶) نیز حاکی از آن بود که سطح نگهداشت منابع نقدی نیز به عنوان یکی از عوامل مؤثر در تعیین ظرفیت بدهی شرکتهای می باشد. جگی و فردیناند (۱۹۹۹) نیز با بررسی تأثیر جریانهای نقدی آزاد روی میزان بدهی نشان دادند که با افزایش وجوه نقد آزاد شرکتهای، تمایل اعتبار دهندگان به اعتباردهی بیشتر می شود و این تمایل و علاقه به افزایش میزان بدهی منجر میشود. صرف نظر از نتایج پژوهش دنیس (۲۰۱۱) که بیانگر ارجحیت انعطاف پذیری مالی از طریق بدهی بر انعطاف پذیری مالی از طریق نگهداری وجوه نقد است، تعیین ظرفیت مطلوب بدهی و نگهداری ظرفیت مازاد بدهی برای تأمین نیازهای مالی پیش بینی نشده آتی یکی از دغدغه های همیشگی مدیران شرکتهای میباشد. مون و ویگل (۲۰۱۵) در پژوهش خود اشاره نمودند که شرکتهای با تعهد کمتر پرداخت و ظرفیت بالای بدهی نسبت به شرکتهای با ظرفیت بدهی پایین، از پتانسیل بیشتری برای استقراض آتی برخوردار هستند تا سرمایه گذاریهای را که به عنوان فرصت رشد شرکت تلقی می شوند، تأمین مالی کنند و این ویژگی در طول زمان به آنها مزیت رقابتی می دهد.

مستشاری (۱۳۹۲) رابطه مثبت میان ظرفیت بدهی و انعطاف‌پذیری تأیید کرد و نشان داد که شرکتهای با ظرفیت بالای بدهی قدرت انعطاف‌پذیری بالایی نیز دارند. تعیین ظرفیت بدهی یکی از راههایی است که می‌توان با بکارگیری آن به استفاده مناسب از فرصتهای سرمایه‌گذاری و همچنین جلوگیری از به هدر رفتن منابع اقدام کرد. هس و ایمنکوتر (۲۰۱۴) در تحقیق خود مدارکی فراهم کردند که نشان می‌داد شرکتهای با ظرفیت بالای بدهی استفاده نشده، برای فرصت سرمایه‌گذاری آتی خود اقدام به استقراض بیشتر و انتشار بدهی می‌کنند. همچنین نظام عرضه و تقاضا در بازار بدهی نیز بر تصمیم‌گیری برای استفاده از ابزار بدهی در تأمین مالی مایرز (۱۹۷۴) و کانتر (۲۰۰۴) از منظر عرضه عنوان کردند که شرکتهای رشدی (شرکتهایی که ارزش آنها بیشتر تابع فرصتهای سرمایه‌گذاری آینده آنهاست) و شرکتهایی که در ایجاد جریان نقدی با ابهام بیشتری مواجه هستند، تقاضای کمتری برای تأمین مالی از محل بدهی خواهند داشت. بررسی ظرف بدهی توسط خود شرکتهای قبل از تأمین مالی در افزایش احتمال تداوم فعالیت شرکت مذکور نیز عامل مؤثری است. با پیش‌بینی حداکثر ظرفیت بدهی در هر فرصت سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار می‌تواند برنامه تأمین مالی خود را طراحی کند و با کمترین احتمال ناتوانی در بازپرداخت بدهیها، فعالیتهای خود را آغاز کند. زمانی که شرکتی از بدهی استفاده می‌کند، موظف به بازپرداخت اصل و بهره‌های بدهی در سررسید آن است که از این جهت در معرض ریسک نکول یا ورشکستگی قرار می‌گیرد ژانگ (۲۰۱۳). چنانچه شرکت در بازپرداخت بدهیهای خود با مشکل روبرو بوده و جریان نقد لازم را برای پوشش هزینه‌ها ندارد، بدین گونه منابعی که در شرکت می‌توانست در فرصتهای سودآور و ارزش آفرین سرمایه‌گذاری شود به هدر رفته و در سطح کلان، تأثیر منفی روی شاخصهای کلان اقتصادی خواهد داشت. استقراض بیش از حد یا ایجاد بدهی بیش از ظرفیت، شرکتهای را در چنین شرایطی قرار می‌دهد (سعیدی و آبشت، ۱۳۹۲). در این رابطه بختیاری طی تحقیقی گزارش کرد که یکی از علل اصلی وقوع بحرانهای مالی، بی‌توجهی به ظرفیت بدهی و ظرفیت وام می‌باشد و بحث کرد که پس از تبدیل وامها به اوراق بهادار و عدم بازپرداخت وام توسط وام‌گیرندگان به علت استفاده افراطی از وام بانکی، بحران به بانکها و سپس سایر بخشهای اقتصادی سرایت خواهد کرد. رتبه اعتباری وام‌گیرنده تأثیر زیادی بر نرخ بهره مطالبه شده توسط وام‌دهنده و نیز ظرفیت وام‌گیری دارد. در این خصوص لمون و زندر (۲۰۰۷) با بررسی تأثیر رتبه اعتباری را بر ظرفیت بدهی شرکتهای نشان دادند که شرکتهای دارای رتبه اعتباری بالا به کمبود ظرفیت بدهی و محدودیت در ایجاد بدهی دچار نمی‌شوند، در حالی که در موارد بسیاری شرکتهای با رتبه اعتباری پایین برای تأمین مالی خود دچار محدودیت مالی شده‌اند. وی نشان داد که شرکتهای دارای رتبه اعتباری خوب امکان استفاده بیشتری از ابزارهای بدهی را دارند. در داخل کشور نیز بختیاری (۱۳۹۰) با بررسی ظرفیت بدهی، بیان کردند ظرفیت بدهی یک نوع اعتباری است که از طرف اعتباردهنده به بدهکاران تعلق می‌گیرد. اعتبار را اعتباردهنده اعطا میکند و از بدهکاران گرفته می‌شود. تحقیقات انجام شده در این حوزه بیانگر تأثیرپذیری ظرفیت قرض‌گیری شرکت از متغیرهای صنعتی و شرکتی و محیطی می‌باشد. میچلی و وینسنت (۲۰۱۳) نشان دادند که مالکیت نهادی بر ظرفیت وام‌گیری بیشتر شرکتهای مؤثر است. مارچیا دل‌ابراسلری و لاتروس (۲۰۱۴: ۱۱۱) دریافتند که بین ساختار مالکیت و شاخصهای اهرمی ظرفیت بدهی ارتباط مثبت معنادار وجود دارد. با این حال نتایج پژوهش رجایی و بیتوته (۲۰۱۳) حاکی از عدم ارتباط معنی‌دار میان ساختار مالکیت و ظرفیت بدهی می‌باشد. سعیدی و آبشت (۱۳۹۲) نیز با بررسی اثر فاکتورهای مختلف عملیاتی و مالی بر روی ظرفیت بدهی شرکتهای، نشان دادند که بین متغیرهای نسبت دارایی ثابت به جمع داراییها، ارزش روز شرکت، مبلغ فروش، نوع صنعت، و نسبت بدهی دوره قبل و ظرفیت بدهی ارتباط معناداری وجود دارد. پور رضایی و همکاران (۱۳۹۶) نیز رابطه معنادار منفی میان ظرفیت وام‌گیری مازاد شرکتهای و هزینه سرمایه شرکتهای داخل کشور را گزارش نمودند و نشان دادند شرکتهای با افزایش ظرفیت وام‌گیری مازاد خود می‌توانند هزینه سرمایه خود را کاهش داده و بدین ترتیب بازدهی شرکت را افزایش دهند. در نهایت طیب نیا و همکاران (۲۰۱۷) با

بررسی تأثیر تمرکز مشتری بر ظرفیت وام‌گیری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران مدارکی فراهم کردند که نشان می‌داد تمرکز مشتری شرکتها تأثیر منفی بر ظرفیت وام‌گیری آنها دارد و شرکت‌های با تمرکز مشتری بالا ظرفیت قرض‌گیری پایینی دارند.

تعریف محافظه‌کاری

محافظه‌کاری در حسابداری توسط بلیس در سال ۱۹۲۴ به‌طور سنتی از طریق ضرب المثل هیچ بهره‌ای را پیش‌بینی نکن، ولی تمام زیان‌های را پیش‌بینی کن تعریف شده است. این ضرب المثل در ادبیات تجربی به‌صورت تمایل حسابداران در صورت نیاز به درجه بالاتری از تأیید پذیری برای شناسایی اخبار بد (به‌عنوان سود) تفسیر شده است. باسو (۱۹۹۷) محافظه‌کاری را گرایش حسابداری به الزام درجه بالاتری از تأیید پذیری برای شناسایی اخبار خوب در مقایسه با میزان تأیید پذیری لازم برای شناسایی اخبار بد تعریف کرده است. که این موضوع منجر به کم‌نمایی وام و در نتیجه داراییها میشود. فلتهام و اولسن (۱۹۹۵) محافظه‌کاری را، انتظار کمتر بودن خالص ارزش دارایی‌های گزارش شده (ارزش دفتری دارایی‌ها) توسط یک موسسه در دوره بلندمدت از ارزش بازار آن‌ها می‌داند. به‌عبارت‌دیگر فرض می‌شود که در اثر به‌کارگیری محافظه‌کاری حسابداری، ارزش بازار دارایی‌های گزارش شده بیشتر از ارزش دفتری آن خواهد بود. طبق این تعریف، بهره‌گیری از بهای تمام‌شده در شناسایی سرمایه‌گذاری‌ها باعث ایجاد انتظار خالص ارزش فعلی مثبت از سرمایه‌گذاری خواهد شد. زیرا تحلیل‌گران انتظار دارند که این سرمایه‌گذاری‌ها کمتر از ارزش آن‌ها برآورد شده باشند. بر اساس این دیدگاه، در مواردی که تردیدی واقعی در انتخاب بین دو یا چند روش گزارش دهی وجود دارد، آن روشی انتخاب شود که کمترین اثر مطلوب بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد. این تعریف به توصیف محافظه‌کاری از دیدگاه ترازنامه‌ای می‌پردازد. تعریف دیگر در مورد محافظه‌کاری بر پایه دیدگاه ترکیبی ترازنامه و وام و زیان است. در دیدگاه سوم، محافظه‌کاری یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش وام انباشته گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریع‌تر هزینه، ارزیابی پایین‌داری و ارزیابی بالای بدهی می‌شود (بنی‌مه‌د و باغبانی، ۱۳۸۸). کمیته فنی نهاد حسابرسی ایران (۱۳۸۶) بیان می‌کند که تهیه‌کنندگان صورتهای مالی با ابهاماتی که به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر بر بسیاری از رویدادها و شرایط سایه افکنده است، برخورد می‌کنند. نمونه این ابهامات شامل قابلیت وصول مطالبات، عمر مفید احتمالی داراییهای ثابت و تعداد و میزان ادعاهای مربوط به ضمانت کالای فروش رفته میباشد. چنین مواردی با رعایت احتیاط در صورتهای مالی و همراه با افشای ماهیت و میزان آن‌ها بررسی میشود. احتیاط عبارت است از کاربرد درجهای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای برآوردهای حسابداری در شرایط ابهام موردنیاز است، به‌گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع نشان داده نشوند. درواقع محافظه‌کاری را میتوان محصول ابهام دانست. هرگاه حسابداران با ابهام روبرو شوند، محافظه‌کاری را به کار می‌برند. از نظر این کمیته، اعمال احتیاط نباید منجر به ایجاد اندوخته‌های پنهانی یا ذخایر غیرضروری گردد یا دارایی‌ها و درآمدها را عمداً کمتر از واقع و بدهیها و هزینه‌ها را عمداً بیشتر از واقع نشان دهد، زیرا این امر موجب نقض بی‌طرفی میشود. از دیدگاه تهیه‌کنندگان صورتهای مالی، محافظه‌کاری کوششی است برای انتخاب روشی از روش‌های پذیرفته‌شده حسابداری که به یکی از موارد شناخت کندتر درآمدها و سریع‌تر هزینه‌ها و ارزشیابی کمتر داراییها و بیشتر بدهی‌ها منتج شود (شباهنگ، ۱۳۸۷). هدف محافظه‌کاری جلوگیری از تصمیم‌گیری‌های نادرست از سوی سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی است. محافظه‌کاری را سازوکاری برای کنترل انگیزه‌های مدیران به‌منظور گزینش بیش از واقع وام تلقی کرد (شوروزی و خاندوزی، ۱۳۸۷). واتز (۲۰۰۲) ریشه محافظه‌کاری را در گزارش دهی مالی، علل اقتصادی می‌داند و ۴ عامل توجیح قراردادی، توجیح دعاوی حقوقی، توجیح قانونی، توجیح مالیاتی را غلت‌گرایش به محافظه‌کاری می‌داند. هیات

استاندارد حسابداری مالی آمریکا (FASB) در سلسله مراتب خصوصیت‌های کیفی اطلاعات از محافظه‌کاری حسابداری ذکری به عمل نیاورده، اما در فهرست مفاهیم حسابداری بیانیه شماره دو محافظه‌کاری را به‌عنوان یک میثاق مطرح نموده و محافظه‌کاری را واکنش احتیاط‌آمیز در مقابل ابهامات موجود تلقی کرده است. در کشور ما، کمیته فنی حسابرسی، در پیوست استاندارد حسابداری ایران، در بخش مفاهیم نظری گزارش دهی، محافظه‌کاری را با لفظی دیگر یعنی احتیاط به رسمیت می‌شناسد و آن را به‌عنوان یکی از اجزای خصوصیات کیفی قابل اتکا بودن معرفی می‌نماید. عمده انتقادات وارده بر محافظه‌کاری ناشی از نااطمینانی به آن، پنهانکاری نفی اصول پذیرفته شده حسابداری و ذهنی بودن سازو کار پیاده کردن آن می‌باشد. با این حال به دلیل مساوی نبودن پیامدهای خوش بیش‌ازحد در مقابل بدبینی بیش از اندازه، قواعد حسابداری برای ارزش‌گذاری و ثبت بدهی‌ها و هزینه‌های عملیاتی و غیرعملیاتی نباید با قواعد حسابداری برای ارزش‌گذاری و ثبت دارایی‌ها و درآمدهای عملیاتی و غیرعملیاتی یکسان باشد. هزینه‌های غیرعملیاتی را می‌توان، اما درآمد غیرعملیاتی را نمی‌توان برآورد کرد. ارزش‌های بازار چنانچه کمتر از بهای تمام‌شده باشد، می‌توان شناسایی شود اما بیش از بهای تمام‌شده باشد، نمی‌تواند شناسایی شود. عمده دلایل مدافعان کاربرد آن در حسابداری می‌باشد. محافظه‌کاری عمدتاً به دو دسته تقسیم بندی می‌شود. محافظه‌کاری پیش رویدادی است که محافظه‌کاری مستقل از اخبار و محافظه‌کاری نامشروط نیز خوانده شده است. محافظه‌کاری پیش رویدادی از به‌کارگیری آن دسته از استانداردهای حسابداری ناشی می‌شود که وام را به‌گونه‌ای مستقل از اخبار اقتصادی جاری، می‌کاهند. برای مثال، شناسایی بدون درنگ مخارج تبلیغاتی و تحقیق و توسعه به‌عنوان هزینه، حتی در صورتی که جریان‌های نقدی آتی مورد انتظار آن‌ها مثبت باشد، از این نوع است. نوع دیگر محافظه‌کاری، محافظه‌کاری پس رویدادی است که محافظه‌کاری وابسته به اخبار، محافظه‌کاری مشروط و عدم تقارن زمانی وام نیز خوانده شده است. محافظه‌کاری پس رویدادی به مفهوم شناسایی به‌موقع تر اخبار بد نسبت به اخبار خوب در وام است. برای مثال، قاعده اقل بهای تمام‌شده یا ارزش بازار، حذف سرقتی در پی انجام تست کاهش ارزش و شناسایی نامتقارن زیان‌های احتمالی در مقابل بهره‌های احتمالی، از این نوع هستند.

روش شناسایی پژوهش

محافظه‌کاری یکی از مهمترین عواملی است که در صورتهای مالی موسسه‌ها تاثیر می‌گذارد موسسه‌هایی که دارای محافظه‌کاری بالاتری هستند سعی می‌کنند با بهره‌گیری از رویه‌های حسابداری درآمد را کمتر و هزینه را بیشتر نشان دهند که این امر برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان بسیار مهم است تا بتوانند با توجه به محافظه‌کاری بالاتر یا پایین تر موسسه‌ها تصمیمات اقتصادی خود را عملی کنند. تحقیقات نشان می‌دهند که میان محافظه‌کاری حسابداری و بدهی‌های موسسه رابطه مستقیمی دارد (بنی‌مهد، ۱۳۹۰).

برخی پژوهشگران حسابداری نشان داده‌اند که کارگزاران موسسه‌ها در موقع بحران مالی، مایل به انتقال اطلاعات و اخبار خوب به بازار سرمایه هستند تا بدین وسیله، از کاهش ارزش جلوگیری کنند (بیدل و همکاران، ۲۰۱۰؛ ویچیت سارا وانگ، ۲۰۱۰).

علل گوناگونی برای محافظه‌کاری ارائه شده است. از جمله این علل، به وجود مسئله مخاطره اخلاقی در قراردادهای هزینه‌های دادرسی، هزینه‌های سیاسی و انگیزه‌های مالیاتی اشاره کرد (واتس، ۲۰۰۳). تغییر شرایط سبب خواهد شد زمینه و ضرورت هر یک از علل در موسسه‌های گوناگون متفاوت باشد که در نتیجه باعث خواهد شد تقاضا برای محافظه‌کاری در بین موسسه‌های گوناگون تغییر کند. محققان متغیرهای گوناگونی را معرفی کرده‌اند که با تغییر میزان هر یک از ضرورت و اهمیت تقاضا برای محافظه‌کاری تغییر خواهد کرد (خان و واتس، ۲۰۰۳).

محافظه کاری در حسابداری سابقه تاریخی دارد. در کشور ما کمیته ای فنی نهاد حسابرسی در (قابل اتکا بودن) معرفی می کند. محافظه کاری محصول عدم اطمینان و ابهام است. هر زمان که حسابداری در ارزش گذاری داراییها یا بدهیها با ابهام رو به رو می شوند میتوانند به محافظه کاری پناه ببرند (مجتهد زاده، ۱۳۸۰). با توجه به موارد مذکور این پژوهش خواهان این پاسخ است که آیا مقدار محافظه کاری حسابداری بر ظرفیت بدهی موسسه ها تاثیری دارد یا خیر؟ در این تحقیق با توجه به اهداف تحقیق و مبانی نظری آن فرضیه زیر تدوین گردیده است بین محافظه کاری حسابداری و ظرفیت بدهی رابطه معنی دار وجود دارد.

روش تحقیق از نوع توصیفی و همبستگی است. توصیفی به این دلیل که هدف آن توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است و برای شناخت بیشتر شرایط موجود می‌باشد و همبستگی به دلیل اینکه در تحقیق رابطه بین متغیرها است و از این هدف تحقیق کاربردی است. زیرا به بررسی روابط متغیرها در بورس اوراق بهادار پرداخته می‌شود. در این تحقیق جهت تست فرضیه تحقیق از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

بر این اساس تعدادی از موسسه های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده و داده‌های مربوط به آن‌ها در طول سالهای ۹۴ تا ۹۸ جمع آوری می‌شود و رابطه میان متغیرها مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار می‌گیرد به غیر از موسسه های واسطه‌گری مالی و بانک‌ها می‌باشد.

انتخاب نمونه‌ها از میان موسسه های پذیرفته شده در بورس جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه موسسه های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، غیر اوراق بهادار تهران با در نظر گرفتن معیارهای زیر انجام می‌شود:

- ✓ جهت پوشش دوره تحقیق، نام موسسه مورد مطالعه باید قبل از تاریخ ۱۳۹۴/۱/۱ در فهرست موسسه های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار درج شده باشد.

- ✓ حداقل برای یک دوره پنج ساله از ابتدای سال ۱۳۹۴ تا پایان سال ۱۳۹۸، موسسه های مورد مطالعه داده‌ها را به بورس ارائه کرده باشد و این اطلاعات در تمامی متغیرهای تحقیق در دسترس باشند.

- ✓ موسسه های مورد مطالعه طی دوره زمانی تحقیق فعالیت مستمر داشته و سهام آن مورد معامله قرار گرفته باشد و وقفه معاملاتی بیش از ۴ ماه نداشته باشند.

- ✓ موسسه های مورد مطالعه طی دوره زمانی تحقیق به جهت همگن بودن در صنایع تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند.

- ✓ موسسه های مورد مطالعه جز موسسه های هلدینگ، واسطه‌گری مالی و بیمه‌ای و بانک‌ها نباشند.

برای جمع آوری داده‌های مربوط به فرضیه تحقیق به گروه موسسه های پذیرفته شده در بورس مراجعه نموده و پس از استخراج اطلاعات مورد نیاز از طریق نرم افزار تدبیر پرداز و بانک‌های اطلاعاتی نهاد بورس و تجمیع داده‌ها و محاسبه متغیرها در ستون‌های نرم افزار اکسل و برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها از نرم افزار ایویوز استفاده شده است. تعریف عملیاتی متغیرهای ارائه شده در فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر است:

مدل تست فرضیه و متغیرها

رابطه (۱):

$$DC \cong \varepsilon_0 . \varepsilon_1 CONACC . \varepsilon_2 LEV . \varepsilon_3 ROA . \varepsilon_4 AssetTurnover . \varepsilon_5 Size . \eta$$

$DC_{i,t}$: ظرفیت بدهی شرکت i در دوره t

$ConAcc_{i,t}$: محافظه کاری شرکت i در دوره t

$LEV_{i,t}$: درجه اهرم مالی شرکت i در دوره t

$ROA_{i,t}$: بازده داراییهای شرکت i در دوره t

$AssetTurnover_{i,t}$: نسبت گردش داراییهای شرکت i در دوره t
 $Size_{i,t}$: اندازه شرکت i در دوره t
 B_0 : ضریب ثابت مدل
 B_1 و B_2 و B_3 : ضرایب مدل
 η : سایر عوامل باقیمانده

متغیر وابسته

ظرفیت بدهی: حداکثر ظرفیت استقراض موسسه را بیان می کند که با بهره گیری از ارزش تصفیه پیش بینی شده دارایی ها (به جز وجه نقد) محاسبه می شود (برگر و همکاران، ۱۹۹۶).
رابطه (۲)

ظرفیت بدهی = (حسابهای دریافتی + موجودی کالا + اموال، ماشین آلات و تجهیزات) / کل دارایی ها

متغیر مستقل

محافظه کاری حسابداری: در تحقیق حاضر برای اندازه گیری ایندکس محافظه کاری حسابداری، از مدل گیولی و هین (۲۰۰۰) استفاده شده است. انگیزه انتخاب این مدل بوده است که اطلاعات این مدل تماما اطلاعات حسابداری بوده است که به راحتی در ایران در دسترس است و بیشتر تحقیقات انجام شده در خارج (مانند تحقیق احمد (۲۰۰۰) و قوانگ (۲۰۰۷)) نیز از این مدل استفاده نموده اند. ایندکس محافظه کاری بر اساس مدل مزبور به صورت زیر محاسبه می شود.

$$CONACC \cong \frac{NI \text{ O CFO} \cdot DE}{TotalAsset} \partial (01) \quad \text{رابطه (۳)}$$

NI: سود؛ CFO: جریان نقد عملیاتی؛ DE: هزینه استهلاک؛ Total Asset: ارزش کل دارایی ها.

مقادیر ضرایب کوچکتر بیانگر محافظه کاری بیشتر موسسه است.

در این پژوهش از محافظه کاری بر مبنای روش گیولی و هین (۲۰۰۰) استفاده می شود.

به عقیده گیولی و هین (۲۰۰۰) رشد ارقام تعهدی می تواند ایندکسی از تغییر در درجه محافظه کاری حسابداری در طول یک دوره بلند مدت باشد. به بیانی دیگر اگر ارقام تعهدی افزایش یابد، در آن صورت محافظه کاری کاهش می یابد و برعکس. از این رو برای تعیین جهت تغییرات محافظه کاری ارقام تعهدی در عدد منفی یک ضرب می شود. از آنجا که فروش می تواند بر ارقام تعهدی نظیر تغییرات در حسابهای دریافتی و موجودی کالا و ایندکس بهره دهی اثر گذار باشد، لذا در این تحقیق نسبت فروش به جمع دارایی به عنوان متغیر کنترل به متغیرهای تحقیق اضافه شده است. برای کنترل تورم بر ارقام تعهدی و تغییرات محافظه کاری و همچنین برای همگن کردن اطلاعات در سطح موسسه ها با اندازه های گوناگون، متغیرهای تحقیق بر جمع دارایی ها تقسیم شده است.

متغیرهای کنترلی

اهرم مالی: نسبت استفاده شده برای اندازه گیری توانایی موسسه برای پرداخت تمام تعهدات خود در کوتاه مدت و بلندمدت است (کاسمیر، ۲۰۰۸).

برای محاسبه این متغیر از روش ناگروهی و ناتماینا (۲۰۱۲) استفاده می شود.

$$LEV \cong \frac{TotalLiabilities}{TotalAsset} \quad \text{رابطه (۴)}$$

Total Liabilities: ارزش کل بدهی ها

بازده دارایی ها: برای محاسبه نرخ بازده دارایی‌ها از روش پادماواتی و فاچروروزی (۲۰۱۵) استفاده می‌شود: (که حاصل تقسیم سود بر ارزش کل دارایی‌ها)

$$ROA \equiv \frac{NI}{TotalAsset} \quad \text{رابطه (۵)}$$

گردش دارایی ها: عبارت است از نسبت فروش به جمع دارایی هر شرکت (بنی مهد، ۱۳۹۰). اندازه شرکت: طبقه‌بندی موسسه‌ها بر اساس اندازه (باهدین و ویجیانتی، ۲۰۱۱).

برای محاسبه این متغیر از روش دیویانسی (۲۰۱۲)، که لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها است، استفاده می‌شود.

$$FirmSize \equiv \text{LogNatural}(TotalAsset) \quad \text{رابطه (۶)}$$

یافته های پژوهش

به‌طور کلی، روش‌هایی را که به وسیله آن‌ها می‌توان اطلاعات جمع‌آوری شده را پردازش کرده و خلاصه نمود، آمار توصیفی می‌نامند (عادل آذر، ۱۳۸۳). این نوع آمار صرفاً به توصیف جامعه یا نمونه می‌پردازد و هدف از آن محاسبه پارامترهای جامعه یا نمونه تحقیق است.

جدول (۱): آماره توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	تعداد	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
C	۳۹۵	۰/۰۷۴	۰/۰۷۲	۰/۴۰۴	۰/۰۶۱	۰/۱۱۳	-۰/۸۲۶	۴/۶۶۹
CONACC	۳۹۵	۰/۷۱۷	۰/۷۲۳	۱/۴۴۷	۰/۱۴۷	۰/۲۸۴	۰/۲۰۱	۳/۲۴۹
LEV	۳۹۵	۰/۸۴۳	۰/۶۸۲	۰/۹۸۲	۰/۱۱۱	۰/۶۶۹	۱/۹۰۱	۶/۳۰۲
ROA	۳۹۵	۰/۱۳۰	۰/۰۸۴	۰/۶۷۷	-۰/۱۵۳	۰/۱۸۰	۱/۱۶۹	۴/۳۱۷
ASSETTURN	۳۹۵	۰/۷۵۰	۰/۶۴۷	۰/۲۲۰	۰/۰۷۹	۰/۵۰۶	۱/۱۹۶	۴/۲۲۱
FIRMSIZE	۳۹۵	۱۲/۲۶۳	۱۲/۲۰۰	۱۳/۶۴۳	۱۱/۱۴۵	۰/۵۹۰	۰/۴۷۶	۳/۰۲۳

آمار توصیفی ۷۹ موسسه طی دوره زمانی (۱۳۹۴-۱۳۹۸) در جدول فوق ارائه گردیده است. جدول بیانگر آمار توصیفی متغیرها می‌باشد. این جدول نشان می‌دهد که متغیر ظرفیت بدهی، محافظه کاری، اهرم مالی، بازده دارایی‌ها، گردش دارایی‌ها و اندازه موسسه به ترتیب دارای میانگین ۰/۰۷۴، ۰/۷۱۷ و ۰/۸۴۳، ۰/۱۳۰، ۰/۷۵۰ و ۱۲/۲۶۳ می‌باشند.

بررسی برقراری پیش شرط‌های اجرای رگرسیون

قبل از برازش نهایی مدل تحقیق، ابتدا پیش فرض‌های کلاسیک رگرسیون مانند نرمال بودن اجزای اخلاص، ناهمسانی واریانس اجزای خطا، خود همبستگی رتبه اول جملات اخلاص و همخطی متغیرهای توصیفی مورد بررسی قرار می‌گیرند. برای بررسی نرمال بودن جملات پسماند از آزمون جاک-برا استفاده گردید و نتایج حاصل در جدول شماره ۲ ارائه شده است. نتایج آزمون حاکی از آن است که احتمال آماره آزمون برابر با ۰/۳۲۲۸ بوده و بزرگتر از سطح خطای ۰/۰۵ است بنابراین اجزای باقیمانده مدل رگرسیون دارای توزیع نرمال است.

جدول (۲): آزمون نرمال بودن

نام آزمون	تعداد	جاک-برا	احتمال
نرمال بودن	۳۹۵	۲/۲۶۱۶	۰/۳۲۲۸

به منظور شناسایی همخطی چندگانه جهت بررسی وجود وابستگی خطی بین متغیرهای مستقل پژوهش از شاخص عامل تورم واریانس استفاده گردید. نتایج ارائه شده در جدول ۳ نشان می‌دهد مقدار آماره تولرانس بیش از ۰/۴ بوده و نزدیک به صفر نمی‌باشد که برای پذیرفتن عدم همخطی مناسب است و عامل تورم واریانس کمی از یک بالاتر است که همخطی ضعیفی را بین متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد. در صورتی که تعداد مقاطع از دوره زمانی بیشتر باشد، می‌توان انتظار داشت که اجزای اخلاص دارای ناهمسانی واریانس باشند. برای حصول اطمینان از عدم وجود ناهمسانی واریانس از آزمون بارتلت ۵۲ استفاده گردید. مطابق نتایج جدول شماره ۳ احتمال آزمون مدل پژوهش بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ است و بیانگر این امر است که بین جملات پسماند رگرسیون ناهمسانی واریانس وجود ندارد.

جدول (۳): بررسی نبود ناهمسانی واریانس و نبود همخطی

آماره آزمون		نماد	متغیرها	عدم وجود همخطی
VIF	Tolerance			
۱,۱۲۹	۰/۸۸۱	CONSACC	محافظه کاری حسابداری	
۱,۰۱۶	۰/۸۹۳	LEV	اهرم مالی	
۱,۲۱۰	۰/۹۰۳	ROA	بازده داراییها	
۱,۲۴۴	۰/۸۹۲	AT	گردش داراییها	
۱,۲۴۳	۰/۹۶۲	Size	اندازه شرکت	
نتیجه آزمون	احتمال	درجه آزادی	آماره آزمون	آزمون بارتلت
ناهمسانی واریانس وجود ندارد	۰/۳۹۹۴	۵	۲/۹۵۰۳	

به منظور انتخاب الگوی مناسب برای مدل رگرسیونی پژوهش ابتدا باید بررسی شود، آیا بین مقاطع، ناهمگنی وجود دارد یا خیر؟ برای این منظور آزمون F لیمر انجام می‌گیرد. در این آزمون، فرضیه H_0 یکسان بودن عرض از مبداها (داده‌های تلفیقی) در مقابل فرضیه مخالف H_1 ناهمسانی عرض از مبداها (روش داده‌های تابلویی) قرار می‌گیرد. چنانچه مشخص شود که مقاطع مورد بررسی ناهمگن بوده، استفاده از روش داده‌های تابلویی مناسب‌تر است و در غیر اینصورت از داده‌های تلفیقی استفاده می‌گردد. برای برآورد الگو بر اساس داده‌های تابلویی، باید یکی از الگوهای اثرات تصادفی و اثرات ثابت انتخاب شود. بدین منظور برای گزینش مناسب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی آزمون هاسمن اجرا می‌شود.

نتایج آزمون F لیمر برای مدل اصلی پژوهش نیز حاکی از آن است که احتمال آماره بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ است و بنابراین مقاطع مورد بررسی همگن بوده لذا استفاده از روش داده‌های تلفیقی مناسب‌تر است.

جدول (۴): نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

نام آزمون	آماره آزمون	درجه آزادی	احتمال	نتیجه آزمون
F لیمر	۵/۵۷۳	۱۳۱, ۵۲۱	۰/۰۰۰۰	روش داده‌های تابلویی
هاسمن	۳۶/۶۹۲	۴	۰/۰۰۰۷	روش اثرات ثابت

بحث پژوهش

در نهایت جدول ۵ نتایج حاصل از برآورد الگوی اصلی پژوهش را ارائه می‌دهد. مقدار احتمال آماره F برابر ۰/۰۰ بوده که کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است و حاکی از معنادار بودن مدل رگرسیونی پژوهش می‌باشد. آماره دوربین- واتسون برای مشاهدات آماری عدد ۱/۷۲۹ را نشان می‌دهد و از آنجا که این عدد بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بیانگر عدم خود همبستگی

بین متغیرهای پژوهش است. همچنین مطابق با نتایج جدول مقدار ضریب تعیین تعدیل شده بیانگر آن است که بیش از ۶۶ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل قابل توضیح است. به منظور آزمون فرضیه پژوهش و بررسی معنادار بودن ضریب همبستگی میان متغیر وابسته (ظرفیت بدهی) و متغیر مستقل (محافظه کاری) از آماره t در سطح خطای ۰/۰۵ استفاده شد نتایج بدست آمده از این آزمون حاکی از آن است که ضرایب همبستگی میان متغیر مستقل و متغیر وابسته مثبت می باشد ($\beta_1 = ۰/۰۶۷$) و سطح معناداری به دست آمده برابر با ۰/۰۰۰ بوده که کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ می باشد بنابراین فرضیه پژوهش رد نمی شود. به عبارت دیگر، محافظه کاری حسابداری بر ظرفیت بدهی شرکتها تأثیر معنادار مثبت دارد.

براساس اطلاعات ارائه شده در جدول ۵ ضرایب همبستگی بین متغیرهای کنترلی درجه اهرم مالی و بازده داراییها و گردش دارایی و عمر شرکت به ترتیب ۰/۰۴۱ و ۰/۰۳۵۳ و ۰/۰۸۶-، محاسبه گردید و سطح احتمال همه آنها کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، بنابراین جملگی متغیرهای کنترلی بر ظرفیت بدهی تاثیر معنادار دارند و درحالیکه متغیرهای درجه اهرمی و گردش داراییها بر ظرفیت بدهی تاثیر معنادار مثبت دارند با اینحال تاثیر متغیرهای بازده داراییها و اندازه شرکت منفی می باشد.

جدول (۵): ضرایب و برآورد مدل رگرسیونی پژوهش

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	معناداری
DC	۱/۰۵۲	۰/۳۴۴	۳/۰۵۹	۰/۰۰۲
CONACC	۰/۰۶۷	۰/۰۱۴	۴/۶۲۱	۰/۰۰۰
LEV	۰/۰۴۱	۰/۰۱۲	۳/۱۹۵	۰/۰۰۱
ROA	-۰/۳۵۸	۰/۱۴۴	-۴/۴۴۱	۰/۰۰۰
ASSETTURN	۰/۰۵۳	۰/۰۲۳	۳/۳۱۴	۰/۰۰۱
FIRMSIZE	-۰/۰۸۶	۰/۱۰۰	-۳/۲۳۵	۰/۰۰۱
ضریب تعیین	۰/۷۳۹			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۶۵			
دوربین واتسون	۱/۷۳۹			
F	۱۰/۰۱۸			
معناداری	۰/۰۰۰			

نتیجه گیری

در مورد نتایج تجزیه و تحلیل فرضیه تحقیق، با توجه به اجرای روشهای آماری مشروحه در ادامه خواهیم داشت: فرضیه: بین محافظه کاری حسابداری و ظرفیت بدهی رابطه معنی دار وجود دارد. با توجه به برآورد مدل، متغیر محافظه کاری با ضریب مثبت ۶ درصد و مقدار t ، ۴/۶۲۱ و همچنین سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان می دهد ارتباط بین محافظه کاری حسابداری و ظرفیت بدهی وجود دارد. و به دلیل معنی دار نبودن ($p=0.000$) و کمتر بودن از ۰/۰۵ می توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد ارتباط معنی دار وجود ندارد در نتیجه فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می شود. این بدین معناست که محافظه کار حسابداری با ظرفیت

بدهی رابطه ای مستقیم دارد. در ایران محافظه کاری با افزایش بدهی، افزایش می یابد. این موضوع از نظر تئوری پذیرفته شده و مشابه نتیجه تحقیقات خارجی می باشد. نتایج بدست آمده از این فرضیه نشان میدهد که ظرفیت بدهی موسسه ها در بورس رابطه مستقیمی بر محافظه کاری موسسه ها دارد. همچنین نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق بنی مهد (۱۳۹۰) که نشان داد محافظه کاری ارتباط مستقیمی با بدهی ها دارد، مشابه است.

پیشنهادات پژوهش

تأثیر بورس اوراق بهادار تهران، در توسعه اقتصادی کشور انکارناپذیر است. وظیفه اصلی بازار بورس به حرکت انداختن مؤثر سرمایه ها و تخصص بهینه این منابع می باشد که برای دستیابی به این امر، ضرورت وجود یک بازار کارا احساس می شود. از جمله شرایط لازم برای وجود چنین شرایط، باید اطلاعات حسابداری بدون هزینه و به طور مساوی در دسترس کلیه معامله گران قرار گیرد و معامله گران برداشت نسبتاً یکسانی از اطلاعات داشته باشند.

پیشنهاد های حاصل از نتایج پژوهش

- ✓ پیشنهاد می شود که کارگزاران موسسه ها با توجه به میزان ظرفیت بدهی هر شرکت، خط مشی های مناسبی را برای دوری از محافظه کاری پی ریزی کنند.
- ✓ به سرمایه گذاران پیشنهاد می شود به منظور اجتناب از سرمایه گذاری، در موسسه هایی با ظرفیت بدهی بلااستفاده و به تبع آن خطر بالای نکول شرکت، ظرفیت بدهی موسسه را ارزیابی کنند.

پیشنهاد های برای پژوهش های آتی

- پیشنهاد می شود برای مطالعات بعدی از روش های دیگری برای اندازه گیری محافظه کاری از قبیل واکنش بازار و عدم تقارن اطلاعاتی استفاده شود. همچنین از مدل باسو نیز برای گرفتن نتایج دقیقتر می توان در کنار این مدل استفاده کرد.
- ✓ پیشنهاد می شود رابطه بین محافظه کاری حسابداری و ورشکستگی موسسه ها بررسی شود.
- ✓ پیشنهاد می شود تاثیر سایر متغیرهای مرتبط به موسسه بر نتایج این پژوهش بررسی شود، برای مثال بررسی تاثیر سهامداران نهادی بر بین اندازه و بدهی با محافظه کاری.

منابع

- ✓ بنی مهد، بهمن، (۱۳۹۰)، محافظه کاری حسابداری و بدهی، مجله آینده پژوهی مدیریت، شماره ۸۸، صص ۱۰۷-۱۲۰.
- ✓ رحیمیان، نظام الدین، صالح نژاد، حسن، سالکی، علی، (۱۳۸۸)، رابطه میان برخی سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عدم تقارن اطلاعاتی در موسسه های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵۸، صص ۷۱-۸۶.
- ✓ رضازاده، جواد، آزاد، عبدالله، (۱۳۸۷)، رابطه ی بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه کاری در گزارش دهی مالی، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۴، صص ۶۳-۸۰.

- ✓ رضایی، فرزین، مرادی، مریم، (۱۳۹۵)، تأثیر تمرکز مالکیت بر رابطه بین فرا اطمینانی مدیریت و سررسید بدهی‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه غیرانتفاعی کار.
- ✓ ستایش، محمدحسین، (۱۳۹۲)، مدل بسط داده شده برای تخمین محافظه کاری در موسسه های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۷، صص ۱-۱۸.
- ✓ شباهنگ، رضا، تئوری حسابداری، جلد اول، انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی، چاپ ششم، ۱۳۸۷.
- ✓ شجاع طلب، غلامرضا، مشکی، مهدی، پوراسمعیلی، حمید، (۱۳۹۴)، تأثیر چرخه عمر شرکت بر محافظه کاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی کوشیار.
- ✓ شوروی، محمد رضا، خاندوزی، برزگر، (۱۳۸۸)، نبود تقارن اطلاعاتی و نقش اطلاعاتی محافظه کاری، ماهنامه حسابداری، سال بیست و چهارم.
- ✓ کرمی، غلامرضا، حسینی، سید علی، حسینی عباس، (۱۳۸۹)، بررسی بررسی تأثیر ساز و کارهای نظام راهبری موسسه بر میزان محافظه کاری در موسسه های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری، شماره ۷، صص ۲۰-۴۱.
- ✓ کمیته فنی سازمان حسابرسی، (۱۳۸۶)، استانداردهای حسابداری، تهران، سازمان حسابرسی، نشریه ۱۶۰.
- ✓ مجتهد زاده، ویدا، (۱۳۸۰)، محافظه کاری، مجله حسابداری، شماره ۱۵۴، صص ۲۲-۲۴.
- ✓ مرادزاده فرد، مهدی، بنی مهد، بهمن، دیندار یزدی، مهدی، (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین محافظه کاری و نظام راهبردی شرکتی، مجله حسابداری مدیریت، سال چهارم، شماره ۸، صص ۸۹-۱۱۵.
- ✓ مشایخ، شهناز، ازناپی، سمیرا، (۱۳۹۱)، رابطه حجم معاملات با تغییرات نرخ سهام و کیفیت بازار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا.
- ✓ مصطفوی مقدم، علیرضا، (۱۳۶۴)، مدیریت مالی، تهران، انتشارات موسسه عالی بازرگانی.
- ✓ مهربانی، مهدی، زلفی، حسن، ملیحی، علی، (۱۳۹۴)، بررسی ویژگی های هیات مدیره بر محافظه کاری حسابداری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، سال چهارم، شماره ۵۸، صص ۱۷۱-۱۸۸.
- ✓ Ahmed, A. S., Billings, B. K., Morton, R. M. and Stanford-Harris, M. (2002) The role of accounting conservatism in mitigating bondholder-shareholder conflicts over dividend policy and in reducing debt costs, *The Accounting Review*, 77(4), pp. 867-890.
- ✓ Bahaudin, A. A., & Wijayanti, P. (2011). Mekanisme Corporate Governance Terhadap Konservatisme Akuntansi Di Indonesia. *Dinamika Sosial Ekonomi*, 7(1), 86-101.
- ✓ Basu, S. (1997), The Conservatism Principle and The Asymmetric Timeliness Earnings, *Journal of Accounting & Economics* No24, PP.3-37.
- ✓ Berger, P. G. , Ofek, E & Swary, I. (1996). Investor Valuation of the Abandonment Option. *Journal of Financial Economics*, Vol. 42 (2) ,257-287.
- ✓ Biddle ,Gary C., Mary L. Ma and Frank M. Song. 2010 "Accounting Conservatism and Bankruptcy Risk", *Financial Accounting and Reporting Section*, www.ssrn.com, PP.1-2.
- ✓ Bushee B. J, Carter M. E, Gerakos J.(2008) Institutional Investor Preferences for Corporate Governance Mechanisms. Working paper, University of Pennsylvania
- ✓ Chirinko, R. S., & Singha, A. R. (2000). Testing static tradeoff against pecking order models of capital structure: a critical comment. *Journal of financial economics*, 54(3), 411-425.
- ✓ Chua, S. H. (2012). "Cash holdings, capital structure and financial flexibility" (Doctoral dissertation, University of Nottingham).

- ✓ Darrrough, M.N. ,and N.M. Stoughton. (1990). Financial disclosure policy in an entry game. *Journal of Accounting and Economics* 12: 219-243.
- ✓ Deviyanti, D. A. (2012). Analisis Faktor-Faktor yang Mempengaruhi Penerapan Konservatisme dalam Akuntansi.Skripsi. Universitas Diponegoro.
- ✓ Elyasiani, E., Guo, L., & Tang, L. (2002). "The determinants of debt maturity at issuance: a system-based model". *Review of Quantitative Finance and Accounting* ,11(4), 351-311.
- ✓ Evans, J.H., and S.S. Sridhar. 2002. Disclosure-disciplining mechanisms: Capital markets, product markets, and shareholder litigation. *The Accounting Review* 77(3): 595-626.
- ✓ Folsom, D.M (2009); “Competitive Structure and Conditional Accounting Conservatism”; A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the Doctor of Philosophy degree in Business Administration in the Graduate College of The University of Iowa”; online.
- ✓ Frank, M. Z., &Goyal, V. K. (2001). "Capital structure decisions: which factors are reliably important?".*Financial management*, 34(1), 1-31.
- ✓ Givoly,D. and Hayn,C,(2000),” and The Changing Time-Series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting Become More Conservative”, *Journal of Accounting and Economic*,29(3),pp.287-320.
- ✓ Iatridis, G.E (2011). Accounting disclosures, accounting quality and conditional and unconditional conservatism. *International Review of Financial Analysis*. 20 (2011) 88–102
- ✓ Khan,m.,Watts,R.L, 2009, "Estimation and Empirical Properties of a Firm-Year Measure of Accounting Conservatism". *Journal Of Accounting and Economics* 48.
- ✓ Khan,m.,Watts,R.L, 2009, "Estimation and Empirical Properties of a Firm-Year Measure of Accounting Conservatism". *Journal Of Accounting and Economics* 48.
- ✓ Knoops. C.D. (2010). Accounting conservatism. ERASMUS UNIVERSITY ROTTERDAM. Erasmus School of Economics
- ✓ LaFond, R., & Watts, R. L. (2007). The Information Role of Conservatism. *The Accounting Review*, 83(2), 447– 478.
- ✓ LaFond, W., and S. Roychowdhury. (2008), Managerial ownership and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research* (forthcoming).
- ✓ Lara, J.M. Garcia. & B.G. Osma & F.Penalva (2009), Conditional Conservatism and Firm Investment Efficiency, IESE business School, University of Navarra, Working paper.
- ✓ Leary, M. T., & Roberts, M. R. (2010). "The pecking order, debt capacity, and information asymmetry". *Journal of Financial Economics*, 15(3), 332-355.
- ✓ Myers Stewart c., and Nicholas s.Majlut. (1984). “corporate financing and investment decisions when firms have information that investors do not have. *Journal of financial Economics* 13 187-221.
- ✓ Myers, S. C. (1984). "The capital structure puzzle". *The journal of finance*, 31(3), 514-512.
- ✓ Myers, S. C., and Majluf, N. S. (1984). "Corporate financing and investment decisions when firms have information that investors do not have". *Journal of financial economics*. Vol. 13, No. 2. pp: 141-221.
- ✓ Nugroho, D. A., & Mutmainah, S. (2012). Pengaruh Struktur Kepemilikan Manajerial, Debt Covenant, Tingkat Kesulitan Keuangan Perusahaan, dan Risiko Litigasi Terhadap Konservatisme Akuntansi. *Diponegoro Journal of Accounting*, 1(1), 1–13.
- ✓ Owusu-Ansah, S and S. Leventis and P. Dimitropoulos (2013), Corporate Governance and Accounting Conservatism: Evidence from The Banking Industry, *Corporate Governance: An International Review*, 121 (3), 264- 2868.
- ✓ Padmawati, I. R., & Fachrurrozie. (2015). Pengaruh Mekanisme Good Corporate Governance dan Kualitas Audit Terhadap Tingkat Konservatisme Akuntansi. *Accounting Analysis Journal*, 4(1), 1–11.

- ✓ Qiang, X., 2007. The effects of contracting, litigation, regulation, and tax costs on conditional and unconditional conservatism: cross-sectional evidence at the firm level. *Accounting Review* 82, 759-
- ✓ Shyam-Sunder, L., & Myers, S. C. (1111). Testing static tradeoff against pecking order models of capital structure. *Journal of financial economics*, 51(2), 211-244.
- ✓ Watts R.L., Zimmerman J.L. (1986). *Positive Accounting Theory*. New Jersey, Prentice Hall.
- ✓ Watts, R. L. (2003a) Conservatism in accounting, Part I: Explanations and implications, *Accounting Horizons*, 17(3), pp. 207-221
- ✓ Watts, R. L. (2003b) Conservatism in accounting, Part II: Evidence and research opportunities, *Accounting Horizons*, 17(4), pp. 287-301.
- ✓ Woodruff, G. S. (2001). "Factors explaining debt capacity". *Management research news*, 30(4), 240-251.
- ✓ Wuchun Chi, Chiawen Liu, Taychang Wang, (2009), What affects accounting conservatism: A corporate governance perspective, *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 65, 13-46.
- ✓ Yuliarti, Dita. Yanto, Heri (2017). The Effect of Leverage, Firm Size, Managerial ownership, Size of Board Commissioners and Profitability to Accounting Conservatism. *Accounting Analysis Journal*,

